

تأثیر طلاق والدین بر آموزش و یادگیری دانش آموزان

اکرم رشیدی^۱، فاطمه سادات حسینی^۲

^۱ دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دبیر ریاضی مقطع متوسطه آموزش و پرورش خراسان رضوی، ناحیه ۷ مشهد

^۲ مدیر مقطع ابتدایی، ناحیه ۲ مشهد

چکیده

خانواده یکی از مولفه‌های کلیدی است که در رفتار و نگرش انسان‌ها نقشی اساسی و تعیین کننده به شمار می‌رود و تنها وسیله ارتباطی با سایر نهادهای اجتماعی خانواده است که به عنوان عضو کوچک سهم بزرگی در اجتماع را ایفا می‌کند. این نهاد کوچک و موثر گاه مورد تهدید و آسیب قرار گرفته و افراد آن را با مشکلات زیادی روبرو خواهد کرد، یکی از این مشکلات پدیده طلاق است و به تبع آن کودکان و دانش آموزان آسیب پذیرترین این قشر هستند که بر آموزش و یادگیری آنان در مدرسه تأثیر زیادی دارد و گاه جبران ناپذیر است. طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است و معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زن و شوهر ناسازگاری و تنش وجود دارد. این پدیده اجتماعی بر روی سایر پدیده‌ها و عوامل جامعه تأثیری مخرب و غیرقابل جبران بر جای می‌گذارد. با استناد به نتایج برخی تحقیقات علمی می‌توان استدلال کرد که در بروز آسیب‌های اجتماعی موثرترین عوامل، عامل طلاق است. در این مقاله که به روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است برآنیم به برخی از مسائل و مشکلات دانش آموزانی که والدین آنان از هم طلاق گرفته‌اند، بپردازیم و به مشکلات و آسیب‌های آموزش آن بپردازیم. نتایج این جستار نشان می‌دهد که کودکان متعلق به خانواده‌های طلاق از نظر درسی ضعیفتر از کودکان دارای پدر و مادر هستند.

واژه‌های کلیدی: طلاق، والدین، آموزش و یادگیری، دانش آموز

مقدمه

انسان زندگی خود را از خانواده شروع می‌کند و خمیرمایه شخصیت او در آنجا سرشته شده، ارزش‌ها و معیارهای فکری او پایه گذاری می‌شود. این تأثیرات اولیه در رفتارها، ارتباطات فرد با دیگران و سازگاری با محیط اطراف در آینده و روی هم رفته در کل زندگی اش نقش تعیین کننده دارد.

شخصیت کودک همیشه به رنگ محیط عاطفی خانواده درمی‌آید با این که رابطه منش والدین با رفتار کودک حقیقت بدیهی و آشکار است، ولی چندی بیش نیست که به اهمیت آن پی برده‌اند. رفتارها و خصیصه‌های نامطلوب در رفتار والدینی ریشه دارند که بیش از حد عاطفی و حمایت کننده‌اند، اخلاق بچه‌گانه دارند، وعظ کننده، طردکننده و بیش از حد وظیفه شناس هستند. (یزدانی، ۱۳۹۴).

خانواده پایه اساسی اجتماع و سلول سازنده زندگی است و در وسیع‌ترین مفهوم کلمه، خاستگاه اعضای خویش و پناهگاه آنان است. خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس امنیت و آرامش می‌بخشد و طی هزاران سال پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آن‌ها به نسل‌های بعدی بوده است. خانواده همچون صدفی است که اگر پایه های آن سنجیده و درست بنا نشود هرگز مرواریدی نخواهد پرورد. امروزه احساس امنیت و آرامش و ارزش‌ها در خانواده‌ها به سستی گراییده و خانواده به گونه فزاینده‌ای با نیروهای مخرب مواجه شده و تهدید مهمی برای سلامت جامعه به شمار می‌رود. روابط مناسبی در جامعه براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند. تزلزل و سستی بنیاد خانواده و کاهش عاطفه و محبت در میان افراد از جمله پیامدهای جامعه متمدن و صنعتی امروز است، اما با توجه به اینکه خانواده سنگ بنای جامعه به شمار می‌رود، پدیده طلاق از یک گرفتاری خصوصی به مساله عام در ساخت اجتماعی تبدیل می‌شود.

در حال حاضر این پدیده در ایران به شکل یک مسأله و معضل اجتماعی، مشکلات زیادی را برای افراد و خانواده‌ها به وجود آورده است. در واقع خانواده نهادی است که به اعضای خود احساس آرامش و امنیت می‌دهد و طی قرن‌های متمادی به عنوان پایدارترین و مؤثرترین وسیله حفظ ویژگی‌های فرهنگی و عامل انتقال آنها به نسل‌های بعدی بوده است. پیشرفت یا افت تحصیلی و مسائل مربوط به آن یکی از دغدغه‌های اصلی نظام آموزش و پرورش کشورهاست؛ چرا که مسئولین و تصمیم‌گیرندگان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در سراسر دنیا توسعه و پیشرفت جامعه‌شناسان را در توسعه و پیشرفت نظام آموزشی می‌دانند و این توسعه و پیشرفت از طریق پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مدرسه و کلاس درس عملیاتی می‌گردد.

بسیاری از والدین نگران اثرات منفی طلاق بر روی کودکان خود هستند و برخی از آنها به همین خاطر از طلاق صرف نظر می‌کنند. اهمیت زیادی دارد که والدین از میزان تأثیرات طلاق بر روی کودکان درک روشنی داشته باشند تا بتوانند از تأثیرات منفی آن بکاهند. تحقیقات صورت گرفته در این مورد نشان می‌دهد که این کودکان در طول زندگی خود با آسیب‌های متعدد روانی و اجتماعی فراوانی مواجه‌اند.

از جمله افراد آسیب‌پذیر ناشی از پدیده طلاق دانش‌آموزان هستند که به تبع در روند تحصیل و افت تحصیلی آنان موثر است. در این مقاله که به روش توصیفی و تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است برآنیم به برخی از مسائل و مشکلات دانش‌آموزانی که والدین آنان از هم طلاق گرفته‌اند، بپردازیم و به مشکلات و آسیب‌های آموزش آن بپردازیم.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از اطلاعات اسنادی کتابخانه‌ای به دنبال آن است تا به نقش طلاق در امر آموزش عالی در کنار مبانی و اصول آموزش و پرورش را مورد بررسی قرار دهد. آنچه در این جستار خواهد آمد نگاهی است کوتاه و گذرا به عنصر طلاق والدین در بین دانش‌آموزان و تأثیر مخرب طلاق در امر آموزش و نقد آن سخن به میان خواهد آمد، سپس نتیجه‌گیری به عمل آمده و در پایان پیشنهاداتی ارائه می‌گردد.

اهمیت موضوع

از آن جایی که طلاق، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، بر سلامت روانی، تأثیر بسزایی دارد و از آن جایی که سلامت روانی و یا آشفتگی روانی، بر آموزش و پرورش و بهداشت روحی و روانی و رشد و تربیت دانش‌آموز تأثیر دارد، می‌بایست شناخت عمیق‌تری از طلاق و اثرات آن به دست آوریم و به اضطراب‌ها، ترس‌ها، مشکلات خانوادگی کودک و حتی غنا و فقر کودک، پی برده و در جهت خدمت صحیح‌تر به دانش‌آموز استفاده کنیم. در این پژوهش برآنیم به برخی از مسائل و مشکلات دانش‌آموزانی که والدین آنان از هم طلاق گرفته‌اند، بپردازیم و به مشکلات و آسیب‌های آموزش آن بپردازیم.

اهداف پژوهش

هدف کلی:

- تأثیر طلاق والدین بر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان

اهداف جزئی:

۱. تعریف و تبیین جایگاه خانواده
۲. بررسی تاریخچه و تعریف طلاق
۳. بررسی آثار طلاق در سه بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی
۴. بررسی و تحلیل مشکلات دانش‌آموزان در یادگیری و تحصیل
۵. تغییر نگرش منفی و سطحی والدین نسبت به طلاق
۶. آشنایی و آموزش والدین در مورد طلاق
۷. اتخاذ برنامه‌های مدون و قابل قبول برای دانش‌آموزان دارای والدین طلاق

تعاریف مختلف خانواده

خانواده واحدی اجتماعی با ابعاد گوناگون است که به دلیل جایگاه ویژه اش از دیر باز مورد توجه اندیشمندان بوده است. با توجه به اهمیت خانواده در اجتماع، در کتاب‌هایی با نگرش‌های متفاوت، تعاریف متعددی از خانواده ارائه شده است که برخی از آنها ذکر می‌گردد. خانواده یک سلول یا واحد اجتماعی است که با ازدواج یک زن و مرد تشکیل می‌گیرد و با وجود فرزندان تکامل می‌یابد.

خانواده اولین واحد اجتماعی است که می‌تواند با فراهم کردن زمینه زیستی و ژنتیکی حمایتی، بهداشتی، درمانی، آموزشی، نظارتی و کنترل امیدبخش، نشاط‌آفرینی اعضا، خود را تضمین نماید. (جهان فر، ۱۳۸۵: ۸۲) پس مفهوم خانواده در لغت فقط در قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست؛ بلکه نزدیکان و خویشاوندان را نیز شامل می‌شود.

«خانواده واحدی اجتماعی است که بر اساس ازدواج پدید می‌آید.» (بستان، ۱۳۸۹: ۴۷) «یکی از هسته‌های جامعه که بر اساس ازدواج یا خویشاوندی قرار گرفته از قبیل روابط میان زن و شوهر، خواهر و برادر، والدین و فرزندان و مانند اینها» (آصفی، ۱۳۵۹: ۹)

«خانواده، رکن اساسی جامعه انسانی و مقدمه‌ای برای ورود به زندگی اجتماعی و انجام وظایف عمومی است و اهمیت آن تردید ناپذیر است.» (قائمی، ۱۳۵۵: ۳۸)

«خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی یا پذیرش فرزند با یکدیگر به عنوان زن، مادر، پدر، شوهر، برادر، خواهر و فرزند در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترک پدید می‌آورند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند» (قنادان، ۱۳۵۷: ۱۴۸)

ساروخانی خانواده را گروهی از افراد می‌داند که از طریق ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده اند و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

برگس و لاک در اثرشان (خانواده، ۱۹۳۵) می‌نویسند: خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی و یا پذیرش با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

خانواده یک واحد اجتماعی است و همانند هر اداره یا سازمانی، نیاز به مدیریت دارد؛ پس می‌توان در این سیستم، البته با نظر داشت تفاوت‌ها، از اصولی مشابه با آنچه که در اداره سازمان‌های مختلف به کار برده می‌شود، استفاده کرد.

بخش مهمی از آموزه‌های قرآن کریم و امامان (ع) به توصیه‌هایی درباره مناسبات اعضای خانواده مربوط است. آنچه که یک خانواده را تشکیل می‌دهد، افرادی هستند که نسبت‌های ویژه‌ای با یکدیگر دارند که عبارتند از همسران، والدین، فرزندان. آیات قرآنی و روایات معصومین (ع) با در نظر گرفتن این مناسبات، به بیان نحوه مدیریت تعاملات افراد خانواده پرداخته است. به کار بستن این تعالیم در اداره محیط خانواده، افزون بر پاداش اخروی، می‌تواند نقش مهمی در تنظیم روابط خانواده و در نتیجه، ایجاد محیطی سالم و پویا داشته باشد.

جایگاه خانواده

وقتی گفته می‌شود فرد در خانواده خود زندگی می‌کند؛ بدین معنی است که آن فرد متولد می‌شود؛ رشد می‌کند؛ رفع نیاز می‌کند؛ سکون و آرامش عاطفی پیدا می‌کند؛ بیمار و یا سالم می‌شود؛ از محبت لذت می‌برد؛ با ازدواج و امتزاج دو روحیه هماهنگ می‌شود و به هدف متعالی می‌رسند؛ یعنی اولین و پایدارترین جایگاه و پایگاه برای انتقال عناصر فرهنگی به نسل‌های جدید شکل می‌گیرد که این جایگاه خانوادگی، تمامی استعداد‌های اعضای خانواده را نیز شکوفا می‌کند:

روی کردهایی که روزن باوم از کشور آلمان برای تعیین جایگاه خانواده مطرح کرده است عبارتند از:

۱. خانواده ساختاری برای رویارویی با بعضی از نارسایی‌های اجتماعی است.

۲. خانواده عامل انتقال میراث‌های فرهنگی به نسل‌های بعدی است.

۳. خانواده عامل توسعه فرهنگی از طریق ارتباط فکری بین اعضای خانواده است.
۴. خانواده عامل تکوین هویت است که هویت در نوجوانی شکل می‌گیرد و با تشکیل خانواده بخشی از هویت افراد به ظهور می‌رسد.

از نظر روزن باوم دو وجهه عمده و مشترک خانواده عبارت است از:
خانواده گروه کوچک بسیار صمیمی است.

اجتماعی کردن نسل آینده اساسی‌ترین وظیفه خانواده است. (جهان فر، ۱۳۸۵: ۸۳)
کیفیت روابط درون خانواده نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده دارد و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور روابط زن و طلاق عاطفی نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر است.

تاریخچه و تعریف طلاق

طلاق در بسیاری از سرزمین‌های باستانی از جمله میان رودان، یونان، ایران، مصر و چین وجود داشته است. کنستانتین محدودیت‌های بسیاری برای طلاق ایجاد کرد و در قرن دهم میلادی کلیسای مسیحی آن را ممنوع دانست. هنری هشتم برای نخستین بار از مجلس کلیسای انگلیس خواست که ازدواج او را فسخ نماید. به مرور زمان کشورهای اروپایی و مسیحی حق طلاق را برای زن و شوهر به رسمیت شناختند. با این حال، در سال ۱۹۸۶ در ایرلند پارلمان طلاق را غیرقانونی اعلام کرد. در انگلستان، در سال ۱۹۶۹ لایحه قانونی اصلاح طلاق به تصویب رسید که گرفتن طلاق را برای زن و شوهر آسانتر کرد. بین سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، میزان طلاق در بریتانیا به طور ثابت هر سال ۹ درصد افزایش یافت و در طی آن دهه دو برابر شد. امروزه در بسیاری از جوامع اروپایی، میزان طلاق افزایش یافته است. (جواهری و اسماعیلی، ۱۳۹۱).

طلاق در لغت به معنای رها کردن و آزاد کردن است و نوعی جدایی و گسستن پیوند ازدواج بالفطری مخصوص و منجر به جدایی می‌شود. پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است و در پی آن حقوق و تکالیف متقابلی بین زوجین در هنگام ازدواج وجود داشته از بین می‌رود میان زوجین ناسازگاری و تنش وجود دارد که به طلاق منجر می‌شود. (زارعی، ۱۳۹۰).

طلاق در لغت به معنی رها شدن از عقد ازدواج و فسخ عقد بوده و پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسسته و از همدیگر جدا شوند؛ به عبارتی طلاق شیوه نهادی شده اختیاری پایان یک ازدواج است. (گروه پژوهشگران مسائل زنان، ۱۳۷۸).

طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسرش از یکدیگر است. طلاق معمولاً وقتی اتفاق می‌افتد که استحکام رابطه زناشویی از بین می‌رود و میان زن و شوهر ناسازگاری و تنش وجود دارد. طلاق اجتماعی، تغییرات در دوستی‌ها و سایر روابط اجتماعی است که مرد یا زن طلاق گرفته با آنها سروکار دارد. طلاق روانی، موقعیتی است که از طریق آن فرد پیوندهای وابستگی عاطفی به همسرش را قطع کند و به تنها زیستن تن در دهد. (نصیری و خدامرادی، ۱۳۹۷).

تعریف یادگیری

یادگیری غالباً به عنوان یک فرآیندی تعریف می‌شود که فراگیر در آن به صورت فعالانه با نزدیک شدن به اطلاعات، مرتبط کردن آن‌ها با دانش قبلی خود و کنترل و هدایت فرایند یادگیری خود عمل می‌کند. یادگیری فرآیندی است که براساس تجربه به وجود می‌آید و تغییراتی نسبت دایمی در احساس، تفکر و رفتار فرد ایجاد می‌کند. رفتار گرایانی از قبیل جان واتسون^۱ و اسکیند^۲، انسان را انعطاف‌پذیر می‌دانستند و معتقد بودند که در رشد، یادگیری نقش اصلی را ایفا می‌کنند، چنانکه آموزش اولیه می‌تواند صرف نظر از آنچه کودک از استعدادها تمایلات علاقه‌ها، توانایی‌ها، نژاد، و اجداد به ارث برد او را به هر نوع بزرگسالی تبدیل کند. هان معتقد بود آنچه که به نظر می‌رسد تابع برنامه زیستی - فطری است، می‌تواند تحت تأثیر رویدادهای محیطی قرار بگیرد، مک‌گرا، دنیس، گزل و تامسون (۲۰۰۲) معتقدند که یادگیری و تجربه در تفاوت‌های رشدی نقشی ندارند. با این حال پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که تمرین با تحریک بیشتر می‌تواند تا حدودی رفتارهای حرکتی را تسریع کند. ضمناً صرف یادگیری منجر به عملکرد نمی‌شود چون افراد، بسیاری از چیزها را می‌آموزند، ولی امکان به کارگرفتن این آموخته‌ها برایشان پیش نمی‌آید. با توجه به تعریفی که از یادگیری می‌شود و آن را تغییرات کم و بیش دائمی رفتار در نتیجه تجربه می‌دانند، می‌توان تصور کرد که با انواع یادگیری در زندگی مواجه خواهیم بود، به این دلیل که فرد از زمان تولد تا سالمندی تجارب مختلفی در حوزه‌های مختلف کسب می‌کند. تلاش‌های مکرر برای راه رفتن، سخن گفتن، غذا خوردن، ارتباط با همسالان، دفاع از خود، مطالب آموزشی مهارت‌های مثل رانندگی یادگیری مشاغل و... نمونه‌های مختلف یادگیری را معرفی کرده‌اند. (صفوی، ۱۳۸۹: ۶۱).

بنابراین یادگیری یک فرآیند است در هر فرآیند عموماً متغیرهایی در حال تعامل هستند. نوع پیشرفت، تغییراتی را به دنبال می‌آورد بررسی همه عوامل مؤثر در فرآیند یادگیری امکان‌پذیر نیست.

آثار طلاق

بخشی از آثار طلاق در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی وجود دارد که عبارتند از:

الف: بعدی فردی

- ترس از آینده
- احساس تنهایی
- احساس گناه
- مشکلات روحی و جسمی
- کاهش فرصت‌های ازدواج

ب: بعد خانوادگی (تأثیر بر فرزندان)

- ارتکاب به جرم و بزهکاری

¹ - John B. Watson

² - Vaskynd

- مشکلات روحی و جسمانی
- مشکلات تربیتی
- مشکلات زندگی آتی
- اختلال در هویت فردی و خانوادگی
- احساس گناه و سردرگمی
- ایجاد خانواده‌های ناتنی
- تأثیر بر سایر اعضای خانواده
- به هم خوردن تعادل روحی و روانی اعضا خانواده
- تقسیم کار مجدد در خانواده
- مشکلات ازدواج سایر اعضاء خانواده
- طرد اجتماعی اعضاء خانواده

ج: بعد اجتماعی

- آثار سوء طلاق بر فرد و جامعه
- ارتباط جنسی عامل مهم و فراموش شده در طلاق

تأثیرات کوتاه مدت طلاق بر کودکان

کودکانی که شاهد طلاق والدین هستند، با تصور اینکه دیگر والدین خود را در کنار یکدیگر نمی‌بینند ناراحت می‌شوند. برخی از تأثیرات کوتاه مدت و فوری طلاق بر کودکان عبارتند از:

۱- اضطراب

عواقب ناشی از طلاق باعث می‌شود کودک دچار تنش، عصبانیت و اضطراب شود و در این میان کودکان خردسال نسبت به کودکان بزرگتر بیشتر مستعد ابتلا به این عواقب هستند؛ زیرا وابستگی بیشتری به والدین خود دارند. اضطراب، تمرکز کودک را در تحصیل دشوار خواهد کرد و ممکن است میل او را نسبت به فعالیت‌های مورد علاقه‌اش کاهش دهد.

۲- استرس مداوم

طبق بررسی آکادمی کودک و روانپزشکی نوجوانان، بسیاری از کودکان، خود را دلیل طلاق والدین شان می‌دانند و مسئولیت اصلاح رابطه را بر عهده می‌گیرند. این امر می‌تواند فشار و تنش زیادی را به ذهن آنها وارد کند و عواقب مختلفی مانند افکار منفی و کابوس شبانه را به همراه داشته باشد.

۳- نوسانات روحی و تحریک پذیری

کودکان خردسال دچار نوسانات خلقی شده و حتی در هنگام برقراری ارتباط با افراد آشنا، تحریک پذیر می‌شوند. بعضی از کودکان نیز با قطع ارتباط با دیگران، گوشه‌گیر شده و ترجیح می‌دهند وقت خود را به تنهایی سپری کنند.

۴- غم و اندوه شدید

در پی طلاق والدین، غم حادی در قلب و ذهن کودک جاری می‌شود به طوری که او به هیچ چیز در زندگی احساس خوبی ندارد و ادامه دار بودن این غم، به افسردگی او ختم خواهد شد.

۵- سرخوردگی و پریشانی

فرزندان طلاق ممکن است احساس ناامیدی و سرخوردگی کنند؛ زیرا آنها از حمایت عاطفی جامع والدین برخوردار نیستند، همچنین گاه مراقبت از کودک توسط ناپدری و یا نامادری این وضعیت را بدتر خواهد کرد. تأثیرات کوتاه مدت طلاق می‌تواند رشد روانی و فیزیولوژیکی کودک را مختل کند و تأثیر طولانی مدت نیز به همراه داشته باشد.

تأثیر طلاق والدین بر آموزش و یادگیری دانش‌آموزان

خانواده مهمترین نقش را در جامعه دارد و در واقع سلامت جامعه در گرو سلامت خانواده است. در طول تاریخ خانواده نقش هستی‌بخشی داشته و یکی از مهمترین محیط‌های مؤثر بر سلامتی بدن و روانی افراد به شمار رفته است. خانواده شرایط لازم را برای رشد و رسیدن به توازن جسمی، روانی و اجتماعی فراهم می‌آورد.

از چالش‌های فرزندان طلاق، مشکلات تحصیلی است. پس از طلاق اصولاً فرزندان دچار افت شدید تحصیلی می‌شوند که این امر برگرفته از کاهش انگیزه برای تحصیل و بی‌هدفی برای آینده مبهم و متفاوت است. این بچه‌ها اصولاً در تمرکز و میل به درس خواندن دچار مشکل می‌شوند و تکالیف درسی خود را به سختی انجام می‌دهند. حضور نامنظم در مدرسه، غیبت‌های مکرر به دلیل انزوا طلبی و ترس از حرف‌ها و قضاوت‌ها شکل می‌گیرد. همچنین آن‌ها دیگر علاقه‌ای به پایبندی نسبت به قوانین و مقررات مدرسه ندارند. لذا این موارد نیز به نوعی نشات گرفته از افسردگی پس از طلاق والدین نمود پیدا می‌کند.

۱- کاهش تمرکز ذهنی و اختلال یادگیری

کاهش تمرکز ذهنی فرزندان و افزایش احتمال ابتلا به اختلال یادگیری، به ویژه در دروسی که نیازمند تفکر و استدلال است؛ از تبعات جدایی والدین است. بر اساس آمارها، افت تحصیلی به ویژه در دروس استدلالی، اختلال در برقراری تعاملات اجتماعی و عاطفی و افزایش احتمال ابتلا به مشکلاتی مانند اضطراب و افسردگی تا دو سال پس از جدایی پدر و مادر، بیش از هر زمان دیگری سلامت ذهنی و روانی فرزندان را تهدید می‌کند.

نتایج تحقیقی بر کودک دبستانی، گویای آن است که کودکانی که تجربه جدایی والدینشان را در سال‌های اول دارند، بیشتر تحت تأثیر آسیب‌های محیطی قرار گرفته و اختلال یادگیری در آنها بیشتر مشاهده می‌شود.

مطالعات نشان داده است کودکان و نوجوانانی که دارای روحیه شاد و از نظر عاطفی و روانی سالم هستند، به طور طبیعی تلاش و کنجکاوی زیادی برای درک و فهم مسائل مختلف نشان می‌دهند و معمولاً از پیشرفت تحصیلی خوبی نیز برخوردارند. این در حالی است که کودکان و نوجوانان خانواده‌هایی که والدین آنها از یکدیگر جدا شده‌اند، به درس و مدرسه علاقه‌ای ندارند و افت تحصیلی در آنها کاملاً آشکار است.

این فرزندان بعد از طلاق والدین به شدت پرخاشگر و نامنظم می‌شوند و کمتر می‌توانند هیجانات، احساسات و رفتارهای خود را کنترل کنند. آنها در مدرسه نیز مانند خانه هنگام بازی، رفتار نامعقولانه‌تری نسبت به کودکان و نوجوانان خانواده‌های عادی دارند و به تبع آن، انگیزه و یادگیری آنها کاهش پیدا می‌کند. (طاهری و عباسیه، ۱۳۹۸).

۲- انزوا

بچه‌های طلاق معمولاً به دلیل ترس از این مسئله که متفاوت از دیگران به نظر می‌رسند مایل نیستند که درباره مسائل و مشکلات خانوادگی خود صحبت نمایند که این مسئولیت معلم را بیشتر می‌کند تا در ابتدای هر سال از طریق گزارشات مدرسه یا از طریق دیگر بچه‌های طلاق را شناسایی کند.

طلاق باعث می‌شود که کودک دچار حسرت روانی ناشی از عدم حضور والدین کنار خود شده و سریعاً دچار اضطراب شود. در واقع، کودک علاقه‌ی خود به یادگیری را از دست می‌دهد و موضوعات درسی وسیله‌ای می‌شوند تا او بتواند مسائل و مشکلات خود را به فراموشی بسپارد و دیگر به کسب جایزه و رتبه و رقابت فکر نکند و این امر راندمان فعالیت آموزشی و تربیتی او را پایین می‌آورد.

او فقط برای اینکه مدرسه می‌آید که بتواند خود را سرگرم کند و از ناراحتی خود کم کند. این کودکان حتی به لحاظ حسی حرکتی دچار مشکل شده و دچار اختلال خوردن و خواب می‌شوند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۴).
کودکان طلاق در کارهای گروهی مدرسه و مشارکت کردن در بازی‌های دسته‌جمعی و تعاملات اجتماعی، ضعیف هستند. این کودکان اغلب افسرده و انزواطلب هستند و تمایلی به ارتباط با دیگران ندارند. (شفق، ۱۳۹۵).

۳- افسردگی و نداشتن تمرکز در تحصیل

افسردگی یک بیماری ذهنی و جسمی است. اغلب افراد افسرده هم علائم جسمی و هم علائم روانی دارند، اما این علائم در مورد افراد مختلف فرق می‌کند. (کوام مک کنزی، ۱۳۹۲: ۱۱).

افسردگی روحیه انسان را ضعیف و شادمانی را از او سلب می‌کند. هنگامی که کسی به افسردگی دچار می‌شود روابط او با اطرافیان کاهش می‌یابد و گوشه‌گیر و انزواطلب می‌گردد. افسردگی می‌تواند در نتیجه تحریف‌های شناختی خاصی به وجود آید که در افراد مستعد افسردگی وجود دارد که به آنها تحریف‌های طرح‌واره‌های افسردگی‌زا نام می‌دهیم.

صاحب‌نظران معتقدند مسائل تحصیلی و افسردگی روی هم تاثیر می‌گذارند و دانش‌آموزان را گرفتار یک چرخه معیوب می‌کنند. به عبارت دیگر، وقتی دانش‌آموز در تحصیل موفق نمی‌شود، اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد، خود را دانش‌آموزی ناایست ارزیابی می‌کند و در نتیجه بیشتر افسرده می‌شود. در یک نگرش کلی مؤلفه افسردگی در بین دانش‌آموزان، احساس غمگینی، ناامیدی و احساس شکست است که شیوع نسبتاً فراوانی در بین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در کشورمان دارد. (گهتوئی، و همکاران، ۱۳۹۷).

افسردگی در کودکان و نوجوانان تحت تأثیر عوامل مختلفی نظیر روابط مادر و کودک، فقدان جدایی، عوامل زیست‌شناختی، محیطی و اجتماعی بروز می‌کند و تداوم می‌یابد.

از عوامل اجتماعی موثر بر افسردگی که به ویژه پژوهشگران ایرانی آن را پیگیری کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- پرخاشگری والدین
- طلاق والدین
- مقررات تبیهی و محرومیت
- اختلالات زناشویی و سپر بلا قرار دادن یا طرد کودکان در خانواده
- تغییرات محیطی و بحران‌های خانوادگی
- وجود طرح‌واره منفی در نوجوانان که بیشتر باعث تداوم افسردگی می‌شود

- فقدان توانایی حل مسأله
 - افت تحصیلی
 - جنسیت
 - فقدان حمایت اجتماعی و خانوادگی (کودکان بی سرپناه)
 - فقدان حمایت اجتماعی و خانوادگی (فرزندان شهدا) به ویژه پسران که باعث احساس ناامنی در کودکان می‌شود.
 - محیط تربیتی به ویژه نقش مادران افسرده
 - وجود بیماری‌های جسمی
- ابتلا به مشکلاتی مثل افسردگی، داشتن دغدغه‌های مختلف موجب می‌شود که دانش‌آموزان طلاق تمرکز کافی در کلاس درس را برای فهمیدن دروس و انجام خواسته‌های معلم نداشته باشند. همچنین به دلیل مشکلات خانواده و ناآرامی‌های آن و گاهی اوقات انجام کارهای خانه و مراقبت از خواهر و برادر کوچکتر ممکن است نتوانند تکالیفشان را به خوبی انجام دهند. (عابدنیا، ۱۳۹۸).

پژوهش‌ها حاکی از آن است که افت تحصیلی در فرزندان طلاق بیشتر اتفاق می‌افتد همچنین این افراد استرس‌های بیشتری را در زندگی خود تجربه می‌کنند. فرزندان در هر سنی که باشند دوست دارند پدر و مادر خود را در کنار هم و دوستدار هم ببینند و از محبت هر دوی آنها به طور همزمان بهره‌مند گردند. طبیعتاً جدایی پدر و مادر و محرومیت فرزندان از وجود یکی از آنها موجب افسردگی، کاهش اعتماد به نفس و حتی گرایش به اعمال بزهکارانه در فرزندان می‌شود. (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴- سهل انگاری در انجام تکالیف درسی

کودکان پس از جدایی والدین ممکن است در انجام دادن تکالیف و وظایف مدرسه با مشکل رو به رو شوند و حتی ممکن است از فعالیت‌های اجتماعی کناره‌گیری کنند. طلاق و جدایی والدین برای کودکان و نوجوانان به ویژه در سنین مدرسه، تجربه‌ای دردناک است آنها نمی‌دانند که از این به بعد چطور و چگونه باید نیازهای خود را برآورده کنند، چه کسی به آنها کمک خواهد کرد و روال زندگی و آینده آنها چگونه خواهد بود. کودکان دبستانی، در سنین ۶ تا ۸ سال، در فعالیت‌های مدرسه، به فکر نوع ارتباط گرفتن با همسالان و رشد تحصیلی هستند، در کودکان طلاق، اوضاع متفاوت است، این کودکان بعد از طلاق والدین ممکن است در انجام دادن تکالیف و وظایف مدرسه با مشکل رو به رو شوند و حتی ممکن است از فعالیت‌های اجتماعی کناره‌گیری کنند.

با توجه به تاثیر طلاق در گروه سنی ۹ تا ۱۲ سال، این کودکان بسیار آسیب‌پذیرند و به دقت رفتارهای والدینشان را زیر نظر دارند تا رفتارهای خود را شکل دهند، توانایی این کودکان از درک وضعیت روحی والدینشان باعث می‌شود تا به جای آنکه به دنبال کارهای خود و فعالیت‌های درس و مدرسه بروند، به ناچار مسئولیت مراقبت روانی از والدینشان را به عهده بگیرند، به این ترتیب ممکن است در مدرسه عملکرد ضعیفی داشته باشند و رفتارهای مشکل‌ساز و پرخطر از خود نشان دهند. با توجه به لزوم تصمیم‌گیری کودکان برای زندگی کردن با یکی از والدین، تصمیم‌گیری برای حضور در خانه هر کدام از والدین باید با مشورت کودکان باشد. در صورت وجود مشکلات تحصیلی، والدین باید فرزندان خود را درک کنند، از انتظار خود نسبت به آنها بکاهند و با کمک به درس و همزمان حمایت عاطفی، آنها را یاری کنند تا بتوانند مرحله دشوار سازگاری پس از طلاق را با کمترین خطر و آسیبی سپری کنند. (لاریجانی، ۱۳۹۳).

دانش‌آموزان خانواده‌های مطلقه نسبت به دانش‌آموزان خانواده‌های غیر مطلقه دچار افت تحصیلی هستند طلاق به عنوان یک عامل زمینه‌ساز برای افسردگی و عزت نفس پایین فرزندان این خانواده‌ها مطرح می‌باشد

۵- انس گرفتن به فضای مجازی و اینترنت

گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین نیز تغییراتی بوجود آورده است که از جمله آن به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد تکنولوژی، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد.

اغلب دانش‌آموزان برای پرکردن اوقات فراغت خود از اینترنت استفاده می‌کنند. رایانه یکی از وسایلی است که امروزه در اغلب منازل جایی برای خود باز کرده است و کاربران آن اغلب کودکان و نوجوانان هستند و چه بسا برخی از والدین، شیوه کار کردن با آن را نمی‌دانند و حتی کشتی برای آموزش آن ندارند. حتی برخی نمی‌دانند فرزندشان ساعت‌ها پای رایانه چه می‌کند. دلیل اصلی خانواده‌ها از خرید رایانه و ارتباط با شبکه اینترنت در منزل، آموزش است.

والدین اعتقاد دارند که این ابزار نگرش کودک را به مدرسه بهبود می‌بخشد و وسیله‌ای برای ارتقای دانش آنها است؛ اما با گسترش سریع استفاده از این فناوری، پرسش مهمی که ایجاد می‌شود، تأثیر آن بر ارتباطات بین اعضای خانواده است. امروزه اینترنت، جایگاه ویژه‌ای در ساختار خانواده‌ها پیدا کرده است و رایانه به عنوان یک وسیله؛ اما با کاربردی متفاوت‌تر، متنوع‌تر و شخصی‌تر وارد خانه‌ها شده و عرصه اجتماعی را دچار تغییر و تحول کرده و روابط اجتماعی جدیدی با ویژگی‌های نوین در جامعه حاکم کرده است.

از معایب بزرگ اینترنت ارائه مطالب و موضوعات خوب و بد در کنار یکدیگر است. وقتی به دنبال موضوع خاصی در اینترنت می‌گردید ناگزیر باید به سراغ یکی از موتورهای جستجو بروید. این موتورهای جستجو نیز غالباً توان تفکیک موضوع مورد درخواستی را به شکل مفهومی ندارند. یکی از آسیب‌های اینترنت، اعتیاد به آن است به طوری که از میان 47 میلیون استفاده کننده از اینترنت در آمریکا 2 تا 5 میلیون دچار اعتیاد اینترنتی شده‌اند و با معضلات زیادی گریبان‌گیر هستند. (اکبری، ۱۳۹۰:۱۵۸).

در جامعه ما نیز با گسترش روزافزون اینترنت شاهد این مسأله هستیم. نتیجه تحقیقات انجام شده در کشور نشان می‌دهد که بیشترین استفاده کنندگان از اینترنت نوجوانان هستند. اگر دانش‌آموزان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اعتیاد به آن قرار دارند. متأسفانه ما شاهد این پدیده در میان آنان هستیم، به طوری که برخی از آنان شب‌ها را تا صبح با اینترنت می‌گذرانند و تمام صبح را خواب هستند و این مسأله آغازگر آسیب‌های متعدد دیگر نیز می‌شود از جمله این آسیب‌ها می‌توان به آسیب‌های خانوادگی، ارتباطی، عاطفی، روانی، جسمی و تحصیلی اشاره کرد.

از دیگر مشکلات به وجود آمده استفاده بیش از حد از اینترنت دانش‌آموز، شب بیداری است. دانش‌آموزان زیادی تا نیمه‌های شب برای بهره‌مندی از سرویس‌های فضای مجازی بیدارند. برخی از سرویس‌ها در این امر مشوق کاربران اینترنتی هستند. سرویس‌هایی همچون اینترنت رایگان شبانه، مکالمه‌ی ارزان قیمت اپراتورها و... زمینه را برای شب بیداری دانش‌آموز مهیا می‌سازند. شب بیداری دانش‌آموز موجب می‌شود، دچار کمبود خواب شده و در محل تحصیل بی‌نشاط باشند. شب بیداری وقت استراحت نوجوان و جوان را از او سلب می‌کند و نتیجه آن می‌شود که به جای اینکه روز را به تلاش برای درس و پیشرفت خود بگذارد با افت تحصیلی مواجه خواهد شد.

نقش نظام آموزشی در کاهش مشکلات طلاق والدین دانش آموز

نظام آموزشی به عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی می‌باشد. (علاقه‌بند، ۱۳۸۵: ۹). و نقش موثری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارد، شناخت توانایی‌ها، نیازها، ناسازگاری‌ها و ویژگی‌های رفتاری و خصوصیات روانی نوجوانان و جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و رفتارهای بهنجار و نابهنجار آنها باید تشخیص داده شود و در برنامه‌ریزی‌ها، انتظاراتی مطابق با شرایط آنان در نظر گرفته شود. (فرجاد، ۱۳۸۸: ۷۹)

هرچند که آموزش و پرورش، فعالیت واحدی را شامل می‌شود که هدف آن ایجاد تغییرات مناسب و مطلوب در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش‌آموز است، لیکن ایجاد نگرش‌ها و رفتارهای درونی شده و نهادی به نحو چشمگیری از انتثال صرف و نظری مجموعه‌ای از دانسته‌ها قابل تفکیک و تشخیص است. بدین لحاظ است که مسامحتا به انتقال نظری مطالب بدون توجه به تغییرات رفتاری و عاطفی، آموزش و به ایجاد نگرش‌های جدید و شکل‌گیری شخصیت که منشاء رفتارهای بهنجار و مطلوب است، پرورش گفته می‌شود.

مدرسه اولین محیطی است که کودک و نوجوان ناچار است خود را با نظم و قوانین آن هماهنگ سازد این نظم و تربیت مسلمان از قوانین و مقررات حاکم در خانواده رسمی‌تر و اطاعت از آن لازم است. معلم باید مانند سرپازی فداکار در راه خدمت به انسان‌هایی که به کمک تربیت به اوج تعالی می‌رسند و بر اثر غفلت و بی‌توجهی در حوض پستی و نابخردی سقوط می‌کنند، تلاش کند. باید مانند یک پزشک، نبض یکایک دانش‌آموزان را در دست داشته باشد و در راه ریشه‌کن کردن صفات زشتی که از هر بیماری خطرناک‌تر است از جان و دل مایه بگذارد تا صفات عالی انسانی را در نهانشان پرورش داده و آنها را به گوهر هنر و فضیلت بیاراید.

دانش‌آموزان تحت‌تاثیر رفتار و گفتار و کردار معلم قرار دارند و کمترین توهین، تحقیر و توییخی از سوی او را ملکه ذهن خود می‌کنند. معلمان بهترین کسانی هستند که می‌توانند با دشوارترین دانش‌آموزان ارتباط برقرار سازند. آنان خسته نمی‌شوند، نمی‌ترسند و نسبت به دانش‌آموزان توجه همدلانه دائمی دارند.

مدارس می‌توانند با انجام این اقدامات در کاهش طلاق سهیم باشد که عبارتند از:

- مشارکت دادن والدین در برخی از امورات آموزشی و پرورشی و استفاده از نظرات و دیدگاه‌های آنها.
- توجه به استعداد، علائق و رغبت دانش‌آموزان و سعی در جهت شکوفایی آنها.
- توجه به ابعاد روحی و روانی و عاطفی دانش‌آموزان.
- توجه به روحیات دانش‌آموزان و درک شرایط سنی و موقعیت آنها.
- سعی در ایجاد الفت و دوستی بین والدین و دبیران که به جهت احساس تعلق در تحصیل و آینده نیز فوق‌العاده موثر می‌باشد.

نتیجه‌گیری

خانواده اولین نهادی است که کودک در آن رشد می‌کند و تربیت می‌شود اگر وقفه‌ای در کار این نهاد ایجاد شود می‌تواند ضربه سهمگین و غیرقابل جبران به پیکر این نهاد ارزشمند وارد کند. محیط خانواده محیطی است که کودک یا نوجوان و جوان در آن احساس آرامش می‌کند، بی‌شک خانواده، نخستین و مهمترین بستر رشد همه جانبه انسان است که از دیرباز نقش‌ها و کارکردهایش مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بوده است. یکی از وجوه منفی

پدید آمده از این نهاد اجتماعی، آسیبی به نام طلاق است که موجب بروز ناهنجاریهای اجتماعی بسیاری می‌شود در سایه طلاق، فرزندان ناخواسته درگیر تضادهایی می‌شوند که نه توان درک آنها را دارند و نه تاب کنار آمدن با آنها را. طلاق والدین یکی از عوامل مؤثر در افت تحصیلی دانش آموزان به شمار می‌آید. ایجاد تعامل با دانش‌آموزانی که والدینشان طلاق گرفته‌اند گام مؤثری در پیشرفت آموزشی و بهبود عملکرد یادگیری دارد. ایجاد انگیزه‌ای که به صورت عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده برای بهبود عملکرد تحصیلی را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین سازه‌های علم تعلیم و تربیت محسوب کرد. معلمان و مربیان همواره باید به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر آموزش باشند، تا از این طریق بتوانند بازدهی یادگیری دانش‌آموزان را در محیط‌های آموزشی به حداکثر امکان، توسعه دهند. در فرایند یادگیری ابتدائی‌ترین کاهایی که انجام داده می‌شود مشخص نمودن اهداف و شناخت دانش‌آموزان می‌باشد، سپس روش‌های آموزشی انتخاب می‌شوند. زمینه‌سازی یادگیری مؤثر ایجاد رغبت به درس در دانش‌آموزان است و این رغبت باید باعث توسعه صلاحیت حرفه‌ای و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان گردد.

پیشنهاداتی برای کاهش آسیب‌های ناشی از طلاق برای دانش‌آموزان

- استفاده از ظرفیت‌هایی همچون رسانه‌های دیداری و شنیداری، روزنامه‌ها، مجلات، نشریات برای آگاهی از مشکلات دانش‌آموزان
- برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع‌رسانی به والدین در مورد مشکلات دانش‌آموزان.
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در مدارس جهت آگاهی دادن به نوجوانان و جوانان در مورد معایب طلاق و اثرات آن بر یادگیری و تحصیل دانش‌آموزان.
- تشویق به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و تقویت این گونه رفتارها توسط والدین
- اطلاع‌سازی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از طلاق.
- استفاده از آموزه‌های دینی از جمله امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نوعی کنترل اجتماعی توسط هر شخص.
- ایجاد مراکز مشاوره خانواده رایگان و صحبت کردن با اشخاص متخصص
- ایجاد پایگاه‌های آموزشی در مدارس برای آگاهی فرزندان طلاق

منابع و مأخذ

۱. آصفی، آصفه. (۱۳۵۹). خانواده و تربیت در ایران، انتشارات انجمن ملی اولیا و مربیان.
۲. اکبری، ابوالقاسم؛ اکبری، مینا. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات رشد و توسعه.
۳. بستان نجفی، حسین. (۱۳۸۹). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۴. جواهری، ع.، اسماعیلی، ع (۱۳۹۱). روان‌شناسی طلاق، تهران: انتشارات ارجمند.
۵. جهان‌فر، محمد. (۱۳۸۵). دانش خانواده سالم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. زرعی، ن. (۱۳۹۰). تأثیرات طلاق بر کودکان و آموزش، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۳۸.

۷. ساروخانی، باقر. (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ هشتم، تهران: سروش.
۸. سلطانی، م. امیری، ح. (۱۳۹۴). تأثیر اعتیاد بر بزهکاری و طلاق فرزندان، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، تهران.
۹. شفق، محمود. (۱۳۹۵). سنجش اندازه اثر تعیین‌کننده‌های گرایش به طلاق در پیمایش‌های انجام شده طی دوره‌های ۱۳۹۴-۱۳۷۴، نشریه پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال دوم، شماره ۹.
۱۰. صفوی، امان‌الله. (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش ایران، چاپ اول، تهران: رشد.
۱۱. طاهری، م. عباسیه، ن. (۱۳۹۸). تأثیر طلاق والدین بر افت تحصیلی فرزندان خانواده، سومین همایش ملی راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران، تهران: مرکز همایش‌های توسعه پایدار ایران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
۱۲. علاقه‌بند، علی. (۱۳۸۵). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، چاپ هجدهم، تهران: نشر روان.
۱۳. عابدنیا، ن. (۱۳۹۸). بررسی وضعیت فرزندان طلاق، نشریه پیوند، شماره‌های ۴۴۸-۴۴۹.
۱۴. فرجاد، محمدحسین. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی کودکان خیابانی، دختران فراری، تهران: علم.
۱۵. قائمی، علی. (۱۳۵۵). خانواده و تربیت کودک، تهران: امیری.
۱۶. قنادان، منصور. (۱۳۵۷). جامعه‌شناسی مفاهیم کلیدی، تهران: آوای نور.
۱۷. کوامک کنزی، کتاب افسردگی، ترجمه محسن ارجمند، سپیده‌سعادت. (۱۳۹۲). تهران: کتاب ارجمند.
۱۸. گهتوئی، فرشاد و دیناروند، سمیرا ونوری، سپیده السادات و سیاهپوش، مهشید و کوثر، حنیف، (۱۳۹۷)، بررسی افسردگی در بین دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راه‌های کاهش آن، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و مطالعات اجتماعی ایران، تهران.
۱۹. معتقدلاریجانی، محمد. (۱۳۹۳). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، شماره ۳۱، دوره دهم، ص ۲۱۱-۲۲۲.
۲۰. منصوری، س. و همکاران. (۱۳۹۴). تأثیر طلاق والدین بر زندگی فرزندان، دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تهران.
۲۱. نصیری، م. خدامرادی، م. (۱۳۹۷). تأثیر طلاق بر یادگیری دانش‌آموزان، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)، تهران.
۲۲. یزدانی، بهروز. (۱۳۹۴). بررسی تأثیرگذاری شیوه‌های فرزندپروری والدین بر شخصیت اجتماعی فرزندان، مجله علوم و رفتار روان‌شناسی، شماره ۳۴، سال ۱۶.

The Effect of Parental Divorce on Students' Education and Learning

Akram Rashidi¹, Fatemeh Sadat Hosseini²

1- Ph.D. Student in Economic Sciences, High School Mathematics Teacher of Khorasan Razavi Education, District 7 of Mashhad

2- Elementary School Manager, District 2 of Mashhad

Abstract

Family is one of the key components that plays an essential and decisive role in human behavior and attitude and is the only relationship with other social institutions of the family that plays a large role in society as a small member. This small and effective institution is sometimes threatened and damaged and its people will face many problems, one of these problems is the phenomenon of divorce and consequently children and students are the most vulnerable of this group, which has a great impact on their education and learning in school and sometimes it is irreparable. Divorce means the legal end of marriage and separation of spouses, and usually occurs when the strength of the marital relationship disappears and there is inconsistency and tension between the husband and wife. This social phenomenon has a destructive and irreparable effect on other phenomena and factors of society. Based on the results of some scientific researches, it can be argued that in the occurrence of social damages, the most effective factors are divorce. In this paper, which has been done by descriptive and analytical method based on library studies, we aim to deal with some of the problems and problems of students whose parents are divorced and to address the problems and harms of its education. The results of this study show that children belonging to divorced families are weaker in terms of curriculum than children with parents.

Keywords: Divorce, Parents, Education and Learning, Student
